

Developing a model based on 360-degree feedback for the evaluation of academic performance of students admitted without university entrance exam for graduate studies

Ali Akbar Amin Bidokhti, Navid Sharifi

¹Associate Professor of Management, University of Semnan, Semnan Iran

²Instructor of Koumesh Institution, Semnan, Iran

Abstract

The purpose of this study was to develop a model based on 360-degree feedback for the evaluation of academic performance of students admitted without university entrance exam for graduate studies. Statistical population was included 1507 students admitted for graduate studies at Semnan University, in which 306 students were selected by using a stratified random sampling method as the sample. For data collection, a researcher's made questionnaire for measuring the academic performance in four dimensions was used. The validity and reliability of the questionnaire was confirmed. For data analysis in addition to descriptive statistics, inferential statistics like T-student and McNamara tests were utilized. The results showed that students admitted without entrance examination has earned higher points in terms of education, academic ability and continuing education. However, there was no significant difference between the two classes of students in terms of research ability, dissertation grade, employment opportunity and finding a suitable job.

Keywords: Higher Education, 360-degree feedback, Academic performance, Student quota

ارائه الگوی مبتنی بر بازخورد ۳۶۰ درجه جهت ارزیابی عملکرد تحصیلی دانشجویان پذیرش شده بدون کنکور در مقطع تحصیلات تکمیلی

علی اکبر امین بیدختی^{*}، نوید شریفی

^۱دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران

^۲مربی مؤسسه آموزش عالی غیر انتفاعی و غیر دولتی کومش سمنان، سمنان، ایران

چکیده

هدف پژوهش ارائه الگوی نوین مبتنی بر بازخورد ۳۶۰ درجه جهت ارزیابی عملکرد دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور در مقابل دانشجویان پذیرفته شده از طریق آزمون سراسری بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵۰۷ نفر از پذیرفتگان مقاطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد) دانشگاه سمنان بود. بر این اساس، از میان آنها ۳۰۶ نفر به روش تصادفی از نوع طبقه‌ای انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۴ بعد (وضعیت تحصیلی دانشجویان، دیدگاه اساتید از وضعیت تحصیلی و توانایی‌های دانشجویان، وضعیت ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی و اشتغال دانشجویان، توانایی‌های تحقیقاتی و پژوهشی آنان) است. پایایی پرسشنامه ۰/۸۵ محاسبه شده، روایی صوری آن توسط استادان مورد تأیید قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها علاوه بر آمار توصیفی، از آمار استنباطی شامل آزمون تی‌استیودنت، مک‌نماراستفاده شد. نتایج نشان داد که دانشجویان بدون کنکور دارای وضعیت مطلوب‌تر از لحاظ تحصیلی، نظرات اساتید پیرامون توانایی علمی دانشجویان در ورود به مقطع تحصیلی بالاتر هستند. اما در مورد همکاری در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی، نمره پایان‌نامه دانشجویان، وضعیت اشتغال و تناسب رشته تحصیلی با شغل تصدی شده در دو گروه دانشجویان مورد مطالعه تفاوت معناداری دیده نشد.

واژگان کلیدی: آموزش عالی، بازخورد ۳۶۰ درجه، عملکرد تحصیلی، دانشجویان سهمیه‌ای

مقدمه

کنترل خود قرار می‌دهد. در واقع، هرگونه برنامه‌ریزی توسعه دانشگاه بدون در نظر گرفتن هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، چه در مقیاس ملی و چه محلی، حتی مقیاس‌های جهانی و منطقه‌ای کاری لغو و بیهوده است؛ زیرا دانشگاه همیشه در چارچوب نظام‌های فراتری که بر آن محیط است حرکت می‌کند و حرکت آن باید از شرایط خاص به سوی بهبود بخشیدن به شرایط زیستی همگانی باشد به بیان دیگر توسعه آموزش بدون توجه به فرصت‌های برابر مشکلات بسیاری را در کشورها به وجود می‌آورد (Masoodi, 2001). این محدودیت منابع همراه با افزایش شرایط رقابتی به ویژه در عصر یکپارچگی بازارها و جهانی شدن موجب می‌شود که به هر اندازه «آموزش عالی» اهمیت کانونی در زندگی، اقتصاد و توسعه جوامع پیدا کند، به همان میزان نیز حساسیت شدیدی نسبت به «کیفیت» آن احساس شود.

از این منظر است که ضرورت انتخاب داوطلبان ورود به آموزش عالی پدیده‌ای است که چندین دهه قبل شروع شده است. در این خصوص، دلایل و توجیهات گوناگونی دیگری نیز وجود دارد که از جمله آنها می‌توان به الف) تقویت نظریه نخبه گرایی به دلیل عدم تعادل بین تعداد داوطلبان و ظرفیت طبیعی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در نتیجه افزایش تقاضای اجتماعی و بروز پدیده‌ای به نام انفجار دانش ب) کمبود نیروی انسانی (استاد) فضا و آزمایشگاه ج) پایین آمدن احتمالی سطح استانداردهای توانایی و دانش در میان دریافت کنندگان مدرک پایان آموزش د) تحت فشار قرار گرفتن مؤسسات آموزش عالی از جانب ازدیاد داوطلبان در اثر رشد جمعیت و غیره را نام برد. به هر حال در همه موارد سعی بر آن است که گزینش به انتخاب فرد اصلح منجر شود و به دانشگاه‌ها همچنین مدارس عالی این امکان را دهد که از میان داوطلبان متعدد بهترین‌ها را انتخاب نمایند (Noorshahi, 1999).

در ایران تاریخ برگزاری نخستین کنکور را سال ۱۳۱۷ ذکر کرده‌اند، زمانی که تعداد داوطلبان ورود به بعضی از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی مانند پزشکی، حقوق و مهندسی بیشتر از ظرفیت پذیرش این رشته‌ها در دانشگاه‌ها شد. مرکز آزمون سازی ایران در سال ۱۳۴۷

بدون شک، کسب علم مهمترین و زیربنایی‌ترین فعالیت‌های انسان است که نقش بسیار اساسی در زندگی فرد و همچنین ایجاد فرهنگ و تمدن و پیشرفت وی دارد. توانایی کسب معلومات از پیشرفته‌ترین و ضروری‌ترین توانمندی‌ها و فعالیت‌های پیچیده و عالی ذهن انسان است که اساس پیشرفت‌های علمی وی را فراهم نموده، موجب شده است تا به تمدن پیشرفته‌ای دست یابد. در این راستا، آموزش عالی یکی از ارکان مهم در اشاعه و ترویج علم در جامعه است (Sue Bennett, 2012).

آموزش عالی از نقش و تأثیرگذاری بسیاری در این مقوله برخوردار است، زیرا معرف نوع مهمی از سرمایه گذاری در منابع انسانی است که با فراهم آوردن و ارتقای دانش، نگرش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز کارکنان در زمینه‌های مختلف به توسعه کمک می‌کند. نقش و جایگاه آموزش عالی در این عرصه زمانی می‌تواند بیش از پیش روشن گردد که بدانیم پیش‌بینی‌ها و برآوردهای علمی تغییرات و پیشرفت‌های سریعی را در حوزه تکنولوژی و به تبع آن در کارکردهای نهادهای جامعه ترسیم می‌کند. لذا از آنجایی که آموزش عالی افراد را با مهارت‌های تکنیکی و علمی مناسب تربیت و آماده می‌نماید، یکی از عناصر کلیدی در پیوند بین دانش علمی و کاربردهای آن برای تحقق پیشرفت‌های جامعه از منظرهای گوناگون است (Azizi, 1999). دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند کارکردهای دیگری نیز داشته باشند. سازمان علمی فرهنگی ملل متحد ۳ کارکرد اصلی دانشگاه‌ها را آموزش، پژوهش و ارائه خدمات می‌داند (Boyer, 1990).

در کشور ما افزایش جمعیت، گسترش آموزش همگانی ابتدایی و متوسطه، همراه با رشد طبقه متوسط فراوانی تقاضا را برای ورود به دانشگاه با نرخی تصاعدی رقم زده است. به ویژه گسترش روز افزون فناوری در زمینه‌های ارتباطات و اطلاع رسانی، جامعه را با نیازهای جدیدی رو به رو ساخته است. در این شرایط، نقش مؤثری از دانشگاه برای پاسخ‌گویی به این نیازها انتظار می‌رود (Farastatkah, 2009). رفتار نظام آموزش عالی در واقع تمامی نظام‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تحت تأثیر و

بدنی، سرکوب پیرامونیان، اندوه و شاید خود کشی نمایان شود (YarMohammadian, 2006).

موارد فوق، گوشه‌ای از مشکلات و دشواری‌های پیش روی افراد متقاضی ورود به دانشگاه و مقاطع تحصیلی بالاتر است. لذا کارشناسان امر در کشور در پی راهکارهایی جز کنکور هستند. یکی از راهکارهای ارائه شده که به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی مد نظر قرار گرفته است، پذیرش دانشجوی بدون آزمون سراسری است. برای این منظور افراد پذیرفته شده دانشجویانی هستند که در مقطع کارشناسی جزو نفرات برتر دانشگاه محل تحصیل خود از نظر معدل کل هستند یا در مسابقات بین المللی و جشنواره‌های داخلی رتبه مناسبی کسب کرده‌اند.

نظر به این که تحصیلات تکمیلی دارای نقش و منزلتی والاتر از دیگر دوره‌های آموزشی است، ارزیابی پذیرش از طریق این راهکار ضروری احساس می‌شود. زیرا آموزش عالی به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی وظیفه تربیت نیروی انسانی متخصص در عرصه آموزش، پژوهش و خدمات را بر عهده دارد. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، رشد کمی تحصیلات تکمیلی در ایران روندی رو به افزایش داشته و اکنون بعد کیفی آن مورد توجه سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران آموزش عالی است (Nilly & etc., 2005).

کیفیت آموزش، به ویژه در آموزش عالی، جایی که محصولات (خروجی) سیستم می‌تواند تأثیر مستقیمی بر کیفیت کارکنان سازمان‌ها داشته باشد، اهمیت یافته است. تعریف «کیفیت در آموزش» تعاریف کلی کیفیت را دنبال می‌کند. بدین گونه که این واژه به عنوان «برتری در آموزش»، «ارزش افزوده در آموزش»، «مناسب بودن نتایج آموزشی و تجربه برای بهره‌گیری»، «اجتناب از نقص در فرآیند آموزشی» و غیره تعریف شده است (Madhooshi & etc., 2009).

با توجه به نقش ارزیابی کیفیت در افزایش احتمال دستیابی برنامه به اهداف خویش، اکثر نظام‌های آموزش عالی جهان با توسل به الگوهای ارزیابی متعددی چون: الگوی هدف‌گرا (Goal-oriented)، الگوی پاسخ‌گویانه (Responsive-oriented)، الگوی ارزیابی هدف آزاد (Goal-

تأسیس و با همکاری دانشگاه‌ها شرایط ورود به آموزش عالی تدوین شد. آزمون سراسری برای اولین بار در سال ۱۳۴۸ به صورت سؤالات با پاسخ کوتاه با تعداد ۴۷۷۷۲ داوطلب برای ۱۲ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی برگزار شد ولی از سال ۱۳۴۸ طرح سؤالات به صورت تستی آغاز شده و تاکنون ادامه داشته است (Yar Mohammadiyan, 2006).

این روش گزینش دانشجو، در یک برآورد کلی عقلانی ممکن است بی خطر و البته، اجتناب ناپذیر به نظر آید، اما مطالعات انضمامی همراه با تصورات انتزاعی را تأیید نمی‌کند. در سال‌های اخیر، تحقیقات و مطالعات متعددی صورت گرفته و سمینارها و کارگاه‌های بسیاری برگزار شده است و افراد حقیقی و حقوقی با موقعیت‌های متنوع اداری، آموزشی، اجرایی به شیوه‌های گوناگون در وجوب و فایده شیوه رایج آزمون سراسری گزینش دانشجو تردید و بر کژ کارکردهای کنکور تأکید کرده، درباره عواقب آشکار و نهان آن هشدار داده‌اند. کارشناسان معتقدند که شیوه «یک تست، یک برآورد، یک سرنوشت» حجم عمده‌ای از ظرفیت‌های روانی، اقتصادی و آموزشی را به شکل ناکارآمد اشغال کرده است (Mardiha, 2004).

مک کالم (۲۰۰۵) معتقد است که فرآیند پذیرش در دانشگاه‌ها در حال رقابتی شدن شدید است و این چشم و هم‌چشمی شدید، باعث شده است تا دانشگاه‌ها در ایجاد انگیزه و علاقه به فرآیند یادگیری در دانشجویان ناتوان باشند (McCullum, 2005). به طور کلی، تأثیرات روانی کنکور را می‌توان به دو دوره با دو نوع از بروز آسیب‌ها بخش بندی نمود:

الف) آسیب‌شناسی پیش آزمون: مخاطرات پیش آمده بیشتر از نوع واکنش‌های اضطرابی، تنشی و هراس آمیز است. از این رو این دسته از عوامل مشکلاتی همچون فشارهای روانی، مشکلات بلوغ، ناهنجاری‌های خانوادگی، آسیب‌های شخصیتی، بیماری و پیامدهای جسمی و همچنین بحران‌های اجتماعی را پدید می‌آورد.

ب) آسیب‌های پس از آزمون: نوع اثرات به صورت واکنش‌های افسردگی، بی‌اعتمادی به خود، احساس شکست، نومیدی، پریشانی، مسائل مسائل و بیماری‌های

اساسی را به عنوان ملزومات یک فارغ التحصیل دانشگاه بر می‌شمرد:

الف) جمع‌آوری، تحلیل و سازماندهی اطلاعات (ب) مبادله ایده‌ها و اطلاعات (ج) شرکت در کار گروهی با دیگران (د) برنامه ریزی و سازماندهی فعالیت‌ها (ح) استفاده از ایده و فنون ریاضی (ط) حل مسأله (ی) استفاده از تکنولوژی - فهم فرهنگی (Sharepoor, 2002).

پژوهش کشتی آرای (۱۳۸۸) که بر محور ارزیابی کیفیت آموزش دانشجویان تحصیلات تکمیلی تدوین شده است، نحوه جست و جو، دستیابی و ذخیره اطلاعات از منابع الکترونیکی دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه اصفهان نشان داد. نتایج حاکی از این است که این دانشجویان دارای مهارت‌های خوبی پیرامون نحوه جست و جو از بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی هستند. همچنین مهارت استفاده از نرم افزارهای تخصصی آنها در حد متوسط ارزیابی گردید. از سوی دیگر، مشخص شد که رابطه مثبت و معناداری بین توانایی ارزیابی اطلاعات از بانک‌های اطلاعاتی الکترونیکی و موفقیت پژوهشی وجود دارد (Keshti Ary & etc, 2009).

پیت و پاپو (۲۰۱۲) در تحقیق خود جهت پیش بینی عملکرد تحصیلی و شغلی افراد، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، سطح تحصیلات، معدل تحصیلی و نمرات آزمون‌های پیشرفت تحصیلی و هوش از جمله شاخص‌هایی بود که جهت پیش‌بینی وضعیت فرد در آینده استفاده نموده‌اند (Pitt, 2012 Popov, 2012).

قاسمی زاده (۲۰۰۸) در پژوهشی با نام «چارچوب نظری سنجش کیفیت آموزش رشته‌های مهندسی در دانشگاه‌های آزاد اسلامی منطقه یک» به بررسی کیفیت آموزشی و چارچوب تشکیل دهنده آن پرداخته است. نتایج نشان داد که شایستگی‌ها، نرم‌افزار، سخت‌افزار، محتوا، توانایی حل مسأله از الزامات مد نظر در بررسی کیفیت آموزشی هستند. همچنین از دید دانشجویان، بعد سخت‌افزار بیشترین اهمیت و بعد شایستگی‌ها کمترین اهمیت را دارد (Ghasemizadeh, 2008).

سبحانی (۲۰۰۷) در تحقیق خود به بررسی و آسیب‌شناسی کنکور پرداخته است. در این پژوهش ابتدا به آسیب‌شناسی کنکور در ابعاد مختلف خانوادگی، روانی،

الگوی ارزیابی مبتنی بر مدافعه (free Advocacy-oriented)، الگوی ارزیابی مبتنی بر خبرگی (Expertise-oriented) و ... تلاش مستمری را در زمینه تعیین و تضمین کیفیت در برنامه‌ها و دوره‌های آموزشی خویش داشته‌اند. به طوری که کیفیت دانش از جمله عوامل مؤثر کاهش عدم اطمینان شناخته شده است (Stell, 2006). استفاده از ارزیابی دانشگاهی برای قضاوت درباره کیفیت آموزش عالی در کشورهای اروپایی از دهه ۱۹۸۰ میلادی آغاز شد و تاکنون پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت پذیرفته است (Farasatkah, 2008, 2007, Farasatkah, 2009 Book) (Conic, 2000).

شایان ذکر است که ارزیابی نظام آموزشی در دانشگاه‌ها را می‌توان با در نظر گرفتن عناصر زیر انجام داد:

- ۱- اهداف برنامه درسی ۲ - مدیریت و ساماندهی
- ۳ - کارکنان ۴ - دانشجویان ۵ - اعضای هیأت علمی ۶ -
- دانش آموختگان ۷ - تجهیزات و امکانات ۸ - سرمایه گذاری و امور مالی ۹ - منابع اطلاع رسانی و کتابخانه
- ۱۰ - فرآیند یادگیری

در میان عناصر دهگانه فوق، دانشجویان از عناصر مهم و از اصلی‌ترین مخاطبان آموزش عالی هستند و ارزیابی کیفیت عملکرد آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند (Neyestani, 2005).

معیارها و ویژگی‌های مختلفی که دانش آموختگان آموزش عالی در دنیای امروز، برای ورود موفق به بازار کار داخلی و بین‌المللی باید از آن برخوردار باشند، در منابع مختلف مورد بحث قرار گرفته‌اند. که نشان دهنده تأثیر موفقیت تحصیلی افراد بر زندگی آنها است (Foster, 2012).

در دهه‌های گذشته بعضی از کشورها به صورت سازمان یافته و در راستای تبیین و توضیح اهداف آموزشی دانشگاه‌ها، دست به انجام پژوهش‌های پیرامون مهارت‌های کلی لازم برای دانشجویان زدند. هر یک از این پژوهش‌ها در نهایت به فهرستی از شایستگی‌ها اشاره کرده‌اند که تا اندازه زیادی نیز با یکدیگر همپوشانی دارند. برای نمونه، تحقیقی در سال ۱۹۹۳ در استرالیا صورت گرفت که ۸ شایستگی

نیز مشتریان شرکت می‌کنند تا برداشتی واقعی از عملکردهای شخص ارائه نمایند. در حقیقت این فرایند یک روش مناسب در زمینه توسعه کیفیت مدیریت است. بازخورد ۳۶۰ درجه از روش‌های توسعه یافته فرایندهای ارزیابی عملکرد، بررسی‌های سازمانی و ارزیابی مشتری (بخشی از مدیریت کیفیت جامع) استخراج شده است. سیستم‌های بازخورد ۳۶۰ درجه به دلیل رواج ساختارهای تیمی و سازمانی هموارتر و همچنین در واکنش به مشکلاتی که با سیستم‌های مدیریت عملکرد سنتی وجود داشته، توسعه یافته است. به طور کلی بازخورد ۳۶۰ درجه یا ارزیابی چند منبعی، یک رویکرد ارزیابی عملکرد است که بر داده‌های جمع‌آوری شده از سرپرستان، همکاران، زیردستان، مشتریان و عرضه کنندگان تکیه دارد (McCarty, 2001).

توسعه و ایجاد یک سیستم ارزیابی عملکرد که به درستی نمایانگر عملکرد لایه‌های مختلف سازمان باشد، کاری دشوار و همراه با چالش‌های فراوان است. چالش اول، گرایش به ساخت چندین شاخص مجزا برای شناسایی بهترین‌ها در سازمان است. مشکل چنین رویکردی، محدودیت اطلاعات قابل جمع‌آوری و نیز دشواری و سختی جمع‌آوری و دسته بندی این اطلاعات است. چالش بعدی، گرایش به تعجیل در قضاوت است که اغلب به دلیل عجله سازمان به طور عام و مدیران به طور خاص است که تنها به دنبال ایجاد یک سری شاخص‌ها برای ارزیابی هستند. در اینجا باید اشاره داشت که ایجاد و توسعه شاخص‌ها، تنها ابزاری برای تکمیل کار است نه انتهای کار. سیستم امتیازی متوازن، پایه‌ای را برای اجرای درست و موفق استراتژی سازمان آماده کرده است و چارچوبی را فراهم می‌آورد که افراد، دید تازه‌ای به کار و سازمان خود پیدا می‌کنند. بنابراین اجرای موفق این سیستم، مستلزم تغییر هم‌زمان افکار و روحیات افراد در سازمان است. عناصر فرآیند بازخورد ۳۶۰ درجه در نمودار شماره ۱ آمده است. ارزیابی بالا به پایین:

شکل سنتی ارزیابی که سرپرستان، مدیران و زیردستان را ارزیابی می‌کنند و هنوز هم بخش مهمی از فرایند بازخورد ۳۶۰ درجه است، می‌تواند اطلاعات آموزنده‌ای برای

علمی و شغلی پرداخته شده، سپس نظام تصمیم‌گیری در پذیرش دانشجویان را بررسی می‌کند. همچنین درباره فرضیه‌های کاستن تعداد متقاضیان کنکور، تغییر کارکرد بخش‌هایی از ظرفیت آموزش عالی از کارشناسی به کاردانی و توسعه ظرفیت آموزش عالی بحث نموده، سپس پیشنهادهای برای حذف تدریجی کنکور ارائه می‌نماید (Sobhani & etc, 2007).

وارن و ترانتر (۲۰۰۵) در تحقیق خود به بررسی مؤلفه‌های کیفیت در آموزش عالی پرداخته، مؤلفه‌های منابع، نگرش‌ها، محتوا، برنامه درسی، شایستگی‌ها و حل مسأله را ارائه نمودند (warn, 2005).

سلیمانی مطلق (۲۰۰۵) از تحقیق خود با عنوان بررسی عوامل آموزشی مؤثر بر کیفیت آموزش دانشگاهی، این نتیجه را به دست آورد که بین محتوای برنامه درسی، شیوه ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، روش تدریس، آشنایی و به کارگیری تکنولوژی آموزشی و کیفیت آموزشی رابطه معناداری وجود دارد (Yamani dozy, 2008).

پس از بررسی پیشینه تحقیق پیرامون ارزیابی عملکرد دانشجویان، مطالعه‌ای در مورد سنجش میزان عملکرد تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده در مقاطع تحصیلات تکمیلی بدون کنکور در مقابل عملکرد تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده با آزمون سراسری یافت نشد و نتایج تحقیقات انجام شده نیز گویای پایین بودن کیفیت دوره‌های آموزشی بوده است (Shah Rezaee, 2011). لذا انجام پژوهشی برای سنجش کارایی این نوع گزینش بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. بر این اساس، در این مقاله با استفاده از تکنیک بازخورد ۳۶۰ درجه پیشنهادی به بررسی عملکرد دانشجویان پذیرفته شده در مقطع تحصیلات تکمیلی پرداخته شد.

بازخورد ۳۶۰ درجه از نخستین سال‌های دهه ۱۹۹۰ رواج یافته است و شرکت‌های امریکایی مانند شرکت تلفن آمریکا آغازگر استفاده از این سیستم ارزیابی بوده‌اند. بازخورد ۳۶۰ درجه (degree feedback 360) نوعی فرآیند ارزیابی است که به صورت گروهی انجام می‌گیرد و در آن تمامی افرادی که در سازمان به طور مستقیم و غیر مستقیم با فرد ارتباط دارند، از جمله رئیس، کارمندان، همکاران و

آزمون سراسری سنجید. این عامل می‌تواند در ارزیابی و طرز فکر دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون ورودی از هم‌کلاسی‌های خود که بدون آزمون پذیرفته شده‌اند نقش مهمی را ایفا کند. همچنین روشن شدن وضعیت تحصیلی (نمرات، واحدهای گذرانده شده، تعداد مشروطی‌ها تحصیلی) می‌تواند عامل مهمی برای ارزیابی دانشجوی پذیرفته شده بدون کنکور از توانایی‌های تحصیلی خود در مقابل دیگران را فراهم نماید. در نهایت به دلیل در دست نبودن ارزیابی از پایین به بالا برای عملکرد دانشجو این منبع ارزیابی حذف و دو منبع پیشنهادی دیگر جایگزین گردید. این منابع عبارتند از:

الف) وضعیت پژوهشی و توانایی‌های تحقیقاتی دانشجویان پذیرش شده توسط آزمون و بدون آزمون. ب) وضعیت اشتغال و ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی پذیرش شده توسط آزمون و بدون آزمون.

نظر به این که یکی از توانایی‌های مد نظر آموزش عالی از دانشجویان مقطع تحصیلات تکمیلی توانایی انجام تحقیقات و پژوهش‌های علمی به عنوان یک محقق از دانشجو است. این مقوله به عنوان یکی از معیارهای کیفیت عملکرد تحصیلی دانشجو در الگو مد نظر قرار گرفت. همچنین توانایی این دو گروه از دانشجویان برای ورود به مقاطع تحصیلی بالاتر و ورود به بازار کار و به ویژه شغلی متناسب با رشته تحصیلی به عنوان جنبه‌ای دیگر مورد توجه قرار گرفته شد. در نمودار شماره ۲، جنبه‌های مختلف ارزیابی همچنین معیارهای عملیاتی جهت سنجش عملکرد دانشجویان ترسیم شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و از لحاظ روش از نوع توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق شامل دو گروه است. این دو گروه شامل دانشجویان ترم آخرسال تحصیلی ۱۳۹۰ - ۱۳۹۱ تحصیلات تکمیلی دانشگاه سمنان و استادان این دانشجویان می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که گروه اول شامل ۱۵۰۷ دانشجو هستند. برای انتخاب نمونه از روش طبقه‌ای استفاده شد که در هر طبقه دانشجویان به صورت تصادفی انتخاب شدند. بر این اساس، در مجموع ۳۰۶ نفر از دانشجویان به عنوان نمونه بر

افراد ارائه کند. در این نوع ارزیابی، ۴ رئیس وجود دارد که می‌توانند منبع معتبری برای ارزیابی باشند. ساده‌ترین و نزدیک‌ترین منبع به افراد «مافوق بلافصل» است و «مدیران ماتریسی»، «مدیر بلافصل قبلی» و سایر رؤسا نیز در این ارزیابی مشارکت دارند. ارزیابی پایین به بالا:

یکی از ابتکارات اصلی فرایند بازخورد ۳۶۰ درجه این است که زمینه‌ای برای ارائه ارزیابی به فرادستان ایجاد می‌شود. در ارزیابی زیردستان یا ارزیابی پایین به بالا، زیردستان عملکرد مدیران و سرپرستان را از چندین بعد ارزیابی می‌کنند و نتایج ارزیابی را به فرد اصلی ارائه می‌دهند. ارزیابی پایین به بالا به عنوان یک عنصری از فرایند گسترده بازخورد ۳۶۰ درجه است و همچنین فرایند مهمی است که به توسعه سازمان و افراد کمک می‌کند (sahraian & etc, 2010).

در پژوهش حاضر با الهام گرفتن از بازخورد ۳۶۰ درجه یا به عبارت بهتر (ارزیابی چند منبعی) به ارائه الگوی ارزیابی عملکرد دانشجویان بدون آزمون ورودی در مقابل دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون سراسری در مقطع تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد) پرداخته شده است. برای دستیابی به این منظور، با جرح و تعدیلی در مدل بازخورد ۳۶۰ درجه که برای ارزیابی کارکنان سازمان‌ها طراحی شده است، می‌توان مدل را برای ارزیابی عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی به کار برد.

بر این اساس، در مرحله اول برای دستیابی به ارزیابی از بالا به پایین با جایگزین کردن دیدگاه اساتید از وضعیت تحصیلی و توانایی‌های دانشجویان به جای ارزیابی مدیران بالا دست از زیر دستان خود در سازمان معیار مناسبی برای ارزیابی فراهم شد. زیرا می‌توان پذیرفت که اساتید در حکم مدیران بالا دستی برای دانشجویان هستند که در طی دوران تحصیل وظیفه کنترل عملکرد تحصیلی دانشجویان خود را بر عهده دارند.

در مرحله دوم برای دستیابی به ارزیابی همکاران و خود ارزیابی می‌توان وضعیت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور را در مقابل دانشجویان پذیرفته شده توسط

اساس جدول مرگان انتخاب شدند که شامل ۵۸٪ دختر و ۴۲٪ پسر هستند. از سوی دیگر، ۷۸٪ نمونه ما را دانشجویان زیر ۳۰ سال و مابقی را دانشجویان بالای سی سال تشکیل داده‌اند که ۴۶٪ آنها در رشته‌های علوم انسانی، ۴۲٪ در رشته‌های فنی و ۲۲٪ مابقی در رشته‌های علوم پایه مشغول به تحصیل هستند. همچنین تعداد اساتید (جامعه دوم) ۱۱۸ نفر بود که از این تعداد ۹۲ نفر به عنوان نمونه به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت جمع‌آوری اطلاعات نیز از منابع آماری دانشگاه و پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که نظرات استادان پیرامون دانشجویان در ۳ زمینه، گیرایی و فهم مطالب درسی (شامل ۷ گویه)، توانایی انجام تحقیق و کارهای پژوهشی (شامل ۵ گویه) و ارزیابی توانایی دانشجو برای ورود به بازار کار (شامل ۶ گویه) مورد بررسی قرار گرفت. همچنین برای اطمینان از روایی، پرسشنامه بین تعدادی از اساتید توزیع و پس از رفع ابهام‌ها و اطمینان از روایی محتوا، بین نمونه آماری توزیع گردید. ارزیابی پایایی این ابزار نیز توسط آلفای کرونباخ انجام شد که مقدار آن ۰/۸۱ محاسبه گردید. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در بعد وضعیت اشتغال و ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی دانشجویان از آزمون مک نمار و در دیگر ابعاد از آزمون t مستقل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در ادامه به تحلیل داده‌های حاصل از ۴ جنبه الگوی پیشنهادی پرداخته خواهد شد:

الف) تحلیل داده‌های حاصل از وضعیت تحصیلی در این جنبه از الگو ۳ معیار عملیاتی (نمرات درسی، انتخاب و گذراندن واحد درسی، مشروط شدن در دوران تحصیل) مد نظر قرار گرفت.

برای کسب اطلاعات در این خصوص از آمار مندرج در مرکز آموزش دانشگاه استفاده شد. بر این اساس، دانشجویان به دو گروه بدون آزمون و با آزمون تفکیک و ۳ معیار مذکور در مورد این دو گروه با یکدیگر مورد مقایسه قرار گرفته، در جدول شماره ۱ به نمایش گذاشته شده است.

نمرات:

معدل کل گروه بررسی شده ۱۶/۱۱ (۳/۲۲۴) محاسبه شده است. معدل کل دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور ۱۵/۸۵ و معدل کل دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون ۱۶/۳۸ محاسبه شده است.

با توجه به داده‌های موجود در جدول شماره ۱، از لحاظ نمرات (معدل کل) بین دو گروه دانشجویان تفاوت وجود دارد و با توجه به منفی بودن حد پایین (-۱/۲۶۵) و بالا (۰/۲۵۴-) در نتیجه معدل دانشجویان بدون آزمون کمتر از دیگر دانشجویان است.

انتخاب و گذراندن واحد درسی:

در مجموع، دانشجویان با آزمون به طور متوسط ۳۲/۶ واحد درسی را انتخاب کرده، موفق به گذراندن ۲۸/۳۹ واحد شده‌اند. دانشجویان پذیرفته شده بدون آزمون نیز به طور متوسط ۳۰/۸۵ واحد را انتخاب کرده، ۲۳/۱۰ واحد آن را با موفقیت گذرانده‌اند. با توجه به مقدار ۰/۰۰۱ محاسبه شده برای sig همچنین مقادیر ۰/۱۴۱- برای حد پایین و ۰/۰۸۵- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که نسبت واحد اخذ به گذرانده شده در گروه دوم یعنی دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون بهتر از دیگر دانشجویان است.

تعداد مشروط شدن در دوران تحصیل

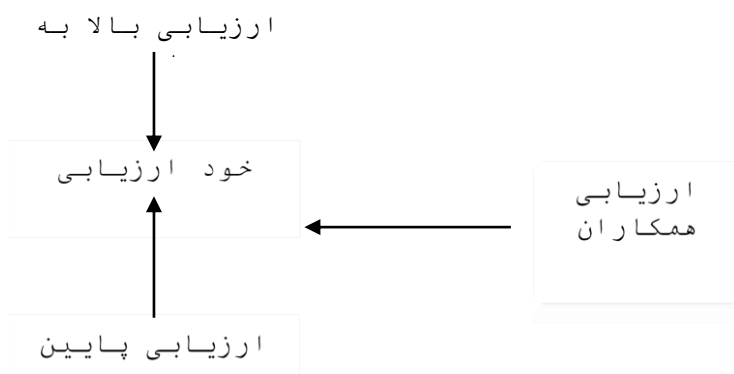
به طور متوسط، دانشجویان ۰/۸۷ نیمسال مشروطی داشته‌اند که متوسط مشروطی برای دانشجویان بدون آزمون ۰/۵۲۴ نیمسال و برای دانشجویان با آزمون ورودی ۱/۲۱۶ نیمسال بوده است. بنابراین با توجه به مقدار ۰/۰۰۰ محاسبه شده برای sig همچنین مقادیر ۰/۲۳۴- برای حد پایین و ۰/۱۲۷- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشروطی در گروه دانشجویان بدون کنکور بیشتر از دیگر دانشجویان است.

ب) تحلیل دیدگاه اساتید از وضعیت تحصیلی دانشجویان

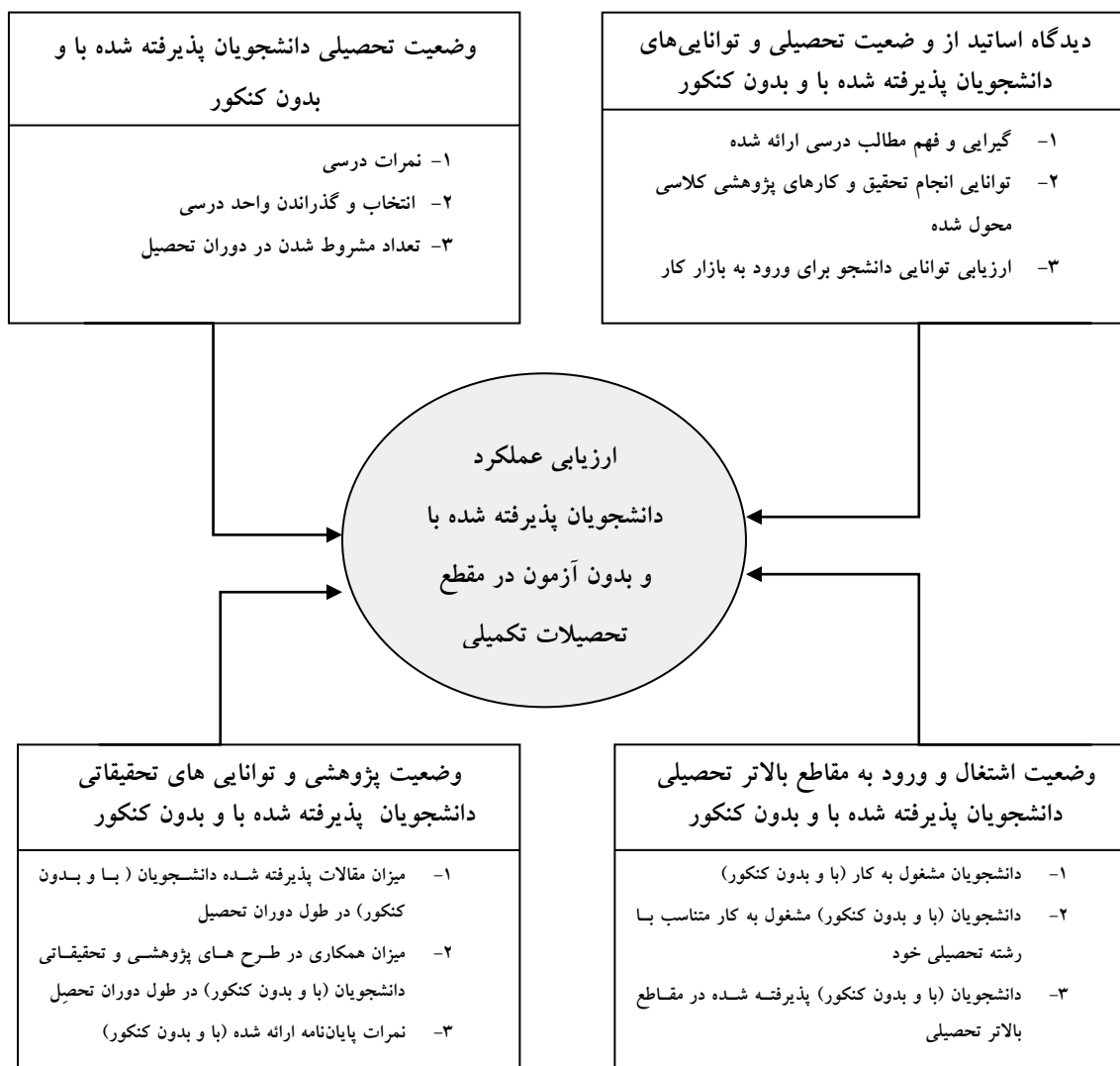
در این جنبه از الگو ۳ معیار عملیاتی (گیرایی و فهم مطالب درسی، توانایی انجام تحقیق و کارهای پژوهشی کلاسی محول شده، ارزیابی توانایی دانشجو برای ورود به بازار کار) مد نظر قرار گرفت. لذا جهت دستیابی به اطلاعات مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که پس از

جمع‌آوری نظر استادان مورد تحلیل قرا گرفت که نتایج حاصل در جدول شماره ۲ بیان شده است.

نمودار ۱ - عناصر فرآیند بازخورد ۳۶۰ درجه



نمودار ۲ - الگوی بازخورد ۳۶۰ درجه ارزیابی عملکرد دانشجویان تحصیلات تکمیلی



جدول ۱ - بررسی وضعیت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده تحصیلات تکمیلی با کنکور و بدون کنکور

مقایسه معدل دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۱۵/۸۵	۳/۲۶۵	۲۳۲	۱۲/۶۳۹	۳۰۴	۰/۰۰۰
با آزمون	۱۶/۳۸	۳/۲۰۱	۷۴			
مجموع	۱۶/۱۱	۳/۲۲۴	۳۰۶			
مقایسه انتخاب و گذراندن واحد درسی دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	نسبت واحد اخذ شده به گذرانده شده	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۰/۷۴۹	۰/۰۵۲	۲۳۲	۱۱/۲۰۱	۳۰۴	۰/۰۰۱
با آزمون	۰/۸۷۱	۰/۰۴۱	۷۴			
مجموع	۰/۸۱۰	۰/۰۴۹	۳۰۶			
مقایسه تعداد مشروط شدن دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۱/۲۱۶	۰/۰۳۲	۱۴۲	۱۴/۹۶۴	۳۰۴	۰/۰۰۰
با آزمون	۰/۵۲۴	۰/۰۱۲	۴۴			
مجموع	۰/۸۷۰	۰/۰۲۵	۱۸۶			

گیریابی و فهم مطالب درسی ارائه شده:

دانشجویان در انجام امور تحقیقاتی اختصاص داده‌اند. همچنین این نمره برای دانشجویان پذیرفته شده بدون آزمون برابر با ۵/۲۱۴ و برای دیگر دانشجویان ۶/۳۲۹ محاسبه شده است. بنابراین با توجه به مقدار ۰/۰۲۴ محاسبه شده برای sig همچنین مقادیر ۱/۲۴۷- برای حد پایین و ۰/۹۲۷- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که گروه دوم یعنی دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون توانایی تحقیقاتی بهتر نسبت به دیگر دانشجویان دارند.

ارزیابی توانایی دانشجو برای ورود به بازار کار همان طور که ملاحظه می‌شود میانگین نمره اکتسابی دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور ۴/۲۱۵ و میانگین نمره اکتسابی دیگر دانشجویان در این زمینه ۴/۶۹۸ است.

میانگین نمره لحاظ شده برای کلیه دانشجویان ۵/۳۶۴ و (۰/۶۸۱) محاسبه شده است. نمره گرایبی و فهم مطالب درسی برای دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور ۴/۲۱۰ و نمره این متغیر برای دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون ۶/۵۱۸ محاسبه شده است. با توجه مقادیر ۱/۰۲۳۱- برای حد پایین و ۰/۶۵۵- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویان که از طریق آزمون وارد مقطع تحصیلات تکمیلی می‌شوند، دارای گیریابی و فهم مطالب درسی بهتری هستند.

توانایی انجام تحقیق و کارهای پژوهشی کلاسی محول شده در مجموع از دید اساتید، نمره ۵/۷۷ را به میزان توانایی

بین نمرات دو گروه دانشجویان تفاوتی وجود ندارد.
(د) تحلیل وضعیت ورود به مقاطع بالاتر و وضعیت اشتغال دانشجویان
در این جنبه از الگو ۳ معیار عملیاتی (دانشجویان مشغول به کار «با کنکور و بدون کنکور»، دانشجویان «با کنکور و بدون کنکور» مشغول به کار متناسب با رشته تحصیلی خود، دانشجویان «با کنکور و بدون کنکور» پذیرفته شده در مقاطع بالاتر تحصیلی) مد نظر قرار گرفت. بر این اساس، اطلاعات مورد نیاز از دانشجویان جمع‌آوری و نتایج حاصل از تحلیل در جدول شماره ۴ ذکر شده است. نسبت دانشجویان مشغول به کار (با کنکور و بدون کنکور)

همان طور که مشاهده می‌شود کای دو محاسبه شده ۱۱/۵۲۱ است. بر این اساس، تفاوتی بین اشتغال دو گروه از دانشجویان دیده نشد.
نسبت دانشجویان (با کنکور و بدون کنکور) مشغول به کار متناسب با رشته تحصیلی خود
کای دو محاسبه شده ۱۰/۵۷۸ است. بر این اساس، دو گروه دانشجویان از لحاظ موفقیت در تصدی و اشتغال در پست‌های متناسب با رشته تحصیلی یکسان هستند.
نسبت دانشجویان (با کنکور و بدون کنکور) پذیرفته شده در مقاطع بالاتر تحصیلی
کای دو محاسبه شده ۳۱/۰۳۶ است. بنابراین میزان ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی در دو گروه متفاوت ارزیابی شده است.

در ادامه جهت هر چه گویاتر شدن تفاوت میان دانشجویان پذیرفته شده بدون آزمون با دیگر دانشجویان نمودار راداری امتیازات (تقسیم نمره دانشجویان بدون آزمون بر نمره دانشجویان با آزمون) در هر یک از ابعاد مورد مطالعه ترسیم شده است.

همچنین مقادیر ۰/۲۲۴- برای حد پایین و ۰/۰۰۷- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویانی از طریق آزمون وارد مقطع تحصیلات تکمیلی شده‌اند دارای توانایی بیشتری برای ورود به بازار کار دارند.
(ج) تحلیل وضعیت پژوهشی و توانایی تحقیقاتی دانشجویان

در این جنبه از الگو ۳ معیار عملیاتی (میزان مقالات پذیرفته شده دانشجویان، میزان همکاری در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی، نمره پایان‌نامه) مد نظر قرار گرفت که اطلاعات مرتبط با هر معیار از خود دانشجویان جمع‌آوری شد. بر این اساس، نتایج حاصل از تحلیل آنها در جدول شماره ۳ بیان شده است.

میزان مقالات پذیرفته شده دانشجویان (با کنکور و بدون کنکور) در طول دوران تحصیل
همان گونه که مشاهده می‌شود، میانگین میزان مقالات پذیرفته شده دانشجویان در دو گروه با و بدون آزمون به ترتیب ۲/۰۱۴ و ۱/۵۹۸ است. همچنین نظر به این که sig محاسبه شده کمتر از ۰/۰۵ است، لذا تفاوت معناداری در این باره وجود دارد. همچنین طبق مقادیر ۰/۵۲۴- برای حد پایین و ۰/۱۲۷- برای حد بالا می‌توان نتیجه گرفت که دانشجویانی که از طریق آزمون وارد مقطع تحصیلات تکمیلی شده‌اند، دارای وضعیت بهتری هستند.
میزان همکاری در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی دانشجویان (با کنکور و بدون کنکور) در طول دوران تحصیل

همان طور که ملاحظه می‌شود، میانگین میزان همکاری دانشجویان در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی در دو گروه با آزمون و بدون آزمون به ترتیب ۳/۲۲۱ و ۳/۲۱۴ است و تفاوتی بین دو گروه دانشجویان وجود ندارد.

نمرات پایان‌نامه ارائه شده دانشجویان پذیرفته شده (با کنکور و بدون کنکور)

نمره پایان‌نامه بررسی شده ۱۸/۴۶۳ (۱/۳۲۷) محاسبه شده است. میانگین نمره پایان‌نامه دانشجویان پذیرفته شده بدون کنکور ۱۸/۲۵۳ و معدل کل دانشجویان پذیرفته شده توسط آزمون ۱۸/۶۷۴ محاسبه شده است. در این خصوص،

نمودار ۳ - رادار و امتیازات کسب شده دانشجویان



جدول ۲ - بررسی نظر اساتید پیرامون وضعیت تحصیلی دانشجویان پذیرفته شده با کنکور و بدون کنکور

مقایسه نمره گزینش و فهم مطالب درسی دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۴/۲۱۰	۱/۰۲۵	۲۳۲	۱۵/۹۶۸	۳۰۴	۰/۰۰۰
با آزمون	۶/۵۱۸	۱/۲۳۶	۷۴			
مجموع	۵/۳۶۴	۱/۱۳۹	۳۰۶			
مقایسه میانگین نمره توانایی انجام تحقیق و کارهای پژوهشی کلاسی محول شده دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۵/۲۱۴	۰/۹۶۵	۲۳۲	۱۰/۲۱۱	۳۰۴	۰/۰۲۴
با آزمون	۶/۳۲۹	۰/۵۸۴	۷۴			
مجموع	۵/۷۷	۰/۶۸۱	۳۰۶			
ارزیابی توانایی دانشجویان برای ورود به بازار کار دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۴/۲۱۵	۰/۳۲۵	۲۳۲	۹/۶۴۷	۳۰۴	۰/۰۳۳
با آزمون	۴/۶۹۸	۰/۲۸۹	۷۴			
مجموع	۰/۸۷۰	۰/۰۲۵	۳۰۶			

مقایسه میزان همکاری در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۳/۲۱۴	۰/۱۴۵	۲۳۲	۱/۲۴۷	۳۰۴	۰/۵۷۴
با آزمون	۳/۲۲۱	۰/۱۳۲	۷۴			
مجموع	۳/۲۱۶	۱/۲۱۴	۳۰۶			
مقایسه نمره پایان‌نامه دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۱۸/۲۵۳	۱/۲۵۴	۲۳۲	۱/۰۳۶	۳۰۴	۰/۸۹۳
با آزمون	۱۸/۶۷۴	۱/۴۱۲	۷۴			
مجموع	۱۸/۴۶۳	۱/۳۲۷	۳۰۶			

جدول ۳ - بررسی وضعیت پژوهشی و توانایی تحقیقاتی دانشجویان پذیرفته شده با کنکور و بدون کنکور

مقایسه میزان مقالات پذیرفته شده دانشجویان بدون آزمون و با آزمون						
گروه	میانگین	انحراف معیار	تعداد	t	df	sig
بدون آزمون	۱/۵۹۸	۰/۰۱۴	۲۳۲	۱۸/۲۵۷	۳۰۴	۰/۰۰۰
با آزمون	۲/۰۱۴	۰/۰۵۷	۷۴			
مجموع	۱/۸۰۶	۳/۲۲۴	۳۰۶			

جدول ۴ - مقایسه وضعیت ورود به مقاطع بالاتر و اشتغال دانشجویان پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون

مقایسه تعداد دانشجویان مشغول به کار پذیرش شده بدون آزمون و با آزمون			
دانشجویان با کنکور و بدون کنکور	تعداد	کای اسکویر	sig
	۳۰۶	۱۱/۵۲۱	۰/۵۵۶
مقایسه دانشجویان «با کنکور و بدون کنکور» مشغول به کار متناسب با رشته تحصیلی خود			
دانشجویان با کنکور و بدون کنکور	تعداد	کای اسکویر	sig
	۳۰۶	۱۰/۵۷۸	۰/۶۳۹
مقایسه دانشجویان «با کنکور و بدون کنکور» پذیرفته شده در مقاطع بالاتر تحصیلی			
دانشجویان با کنکور و بدون کنکور	تعداد	کای اسکویر	sig
	۳۰۶	۳۱/۰۳۶	۰/۰۲۴

بحث و نتیجه‌گیری

در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی لازم است، تمامی کارکردهای آموزش عالی مورد تأکید قرار گیرند.

اما در این بین، دانشجویان از عناصر مهم و از اصلی‌ترین مخاطبان آموزش عالی هستند و ارزیابی کیفیت عملکرد آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند و نباید به دلیل پیچیدگی و چند وجهی بودن عملکرد مورد انتظار آن، و فقدان ملاک‌ها و استانداردهای مورد قبول همگان، مورد غفلت قرار گیرد. بنابراین در این پژوهش مدلی پیشنهاد شده است که کیفیت عملکردی یک دانشجوی تحصیلات تکمیلی را از جهات مختلف مورد ارزیابی قرار می‌دهد. اجرای این مدل بر روی دو گروه دانشجویان پذیرفته شده با آزمون و بدون آزمون نشان داد، دانشجویان پذیرفته شده با آزمون ورودی با معدل ۱۶/۳۸ به مراتب عملکرد بهتری نسبت به دیگر دانشجویان داشته‌اند. نتایج این پژوهش با تحقیقات دلایمی (۱۹۹۵) و جانسون (۱۹۹۳) مطابقت دارد. آنان در مطالعات خود نشان دادند که از بین متغیرهای مختلف میزان نمرات کسب شده دانشجویان ورودی با آزمون به مراتب بهتر از دیگر دانشجویان است. با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده با دانشجویان، به نظر می‌رسد که مرور دروس دوران کارشناسی و توجه عمیق به تمامی نکات مندرج در کتب درسی به همراه آزمون‌های آزمایشی به عمل آمده پیش از کنکور توانسته است با یادآوری مجدد دروس خوانده شده در دوران کارشناسی و جبران ضعف‌های موجود در مباحث درسی تا حدود زیادی بر معدل دانشجویان تأثیر داشته باشد. از سوی دیگر، دانشجویان پذیرفته شده بدون آزمون که اغلب از طریق شرط معدل پذیرفته شده‌اند، اذعان دارند که حذف برخی از مباحث کتب درسی در دوران کارشناسی و عدم مطالعه این مباحث به دلیل عدم طرح سؤال امتحانی، باعث ضعف و عدم تسلط به تمامی مباحث و در نتیجه معدل پایین‌تر در دوران کارشناسی ارشد شده است.

همچنین نتایج نشان می‌دهد که این گروه دانشجویان با کسب نسبت ۰/۸۷۱ پیرامون انتخاب و گذراندن واحد درسی و میانگین مشروطی ۰/۵۲۴ دارای وضعیتی بهتر نسبت به دانشجویان پذیرفته شده بدون آزمون هستند.

نتایج این تحقیق با پژوهش فخاریان (۲۰۰۹)، یوسفی (۲۰۰۰)، آقاجانی و امیدوار (۲۰۰۳) مطابقت دارد. این افراد در تحقیقات خود نشان دادند که سهمیه بر وضعیت تحصیلی دانشجویان تأثیر گذار است و افراد بدون سهمیه دارای وضعیت تحصیلی بهتر و تعداد واحدهای گذرانده بیشتری هستند. همان طور که پیشتر نیز بیان شد، به نظر می‌رسد که پایه علمی قوی‌تر و تسلط به تمامی مباحث درسی توانسته است رمز موفقیت این گروه از دانشجویان باشد.

از سوی دیگر، ارزیابی اساتید از توانایی دانشجویان نشان می‌دهد که پذیرفته شدگان با آزمون ورودی با کسب نمره ۶/۵۱۸ پیرامون فهم مطالب درسی، ۶/۳۲۹ در خصوص توانایی انجام تحقیق و کارهای پژوهشی کلاسی محول شده، میزان مقالات پذیرفته شده دانشجویان و ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی وضعیت بهتری نسبت به دیگر دانشجویان دارند. در مورد این نتایج می‌توان گفت که تاکنون مطالعه‌ای پیرامون این موضوع در ایران یافت نشد. به نظر می‌رسد که با توجه به این که شرایط تحصیل در دانشگاه برای دانشجویان مختلف کم و بیش یکسان است، می‌توان تفاوت مشاهده شده را با وضعیت ورودی دانشجویان مرتبط دانست؛ به عبارت دیگر، برابری فرصت‌های آموزشی پدید آمده در «فرایند» نتوانسته است نابرابری «درونداد» را رفع نماید و «برونداد» به صورت نابرابر ظهور یافته است.

در نهایت، از لحاظ میزان همکاری در طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی دانشجویان، نمره پایان‌نامه، تعداد دانشجویان مشغول به کار و اشتغال متناسب با رشته تحصیلی تفاوتی میان دو گروه مورد مطالعه یافت نشد. بررسی ادبیات نشان می‌دهد که پژوهشی پیرامون مقایسه نمره پایان‌نامه و میزان همکاری در طرح‌های پژوهشی در این دو گروه از دانشجویان در داخل کشور انجام نشده است. به نظر می‌رسد که انگیزه هر دو گروه جهت همکاری در طرح‌های پژوهشی یکسان است. همچنین تسلط به روش تحقیق در این افراد و توانایی استادان راهنما و مشاور که اغلب برای هر دو گروه دانشجویان مشترک هستند، دلیل عدم تفاوت نمرات پایان‌نامه دو گروه شده است. همچنین

شغلی مشاهده نشد، پس جهت نتیجه‌گیری هر چه دقیق‌تر بررسی بیشتر موضوع ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

Aqajani Delaware, Mohamed, Omidwar, S. (2004), the nursing graduates and students of Babol University of Medical Sciences academic year 1998-99 . Babol University of Medical Sciences Journal, No. 5, pp. 62-66(Persian).

Azizi, N. (1999). "Problems in University-Industry Relations at the Technological Universities in Third World Countries (Case Study: Iran)"; A Submitted paper to the ECER 99: European Conference of Educational Research, Lahati, Finland, p.27-30.

Barzeger, Mahmoud; Navidi, A. (2004), employment of graduates of Drawing building and Accounting, Journal of Psychology and Educational Sciences, No. 77, pp. 113-152(Persian).

Book, Arthur C. & Jan I. Ondrich. (2007). "Service Level , or Empire : Which is the Objective of the Nonprofit Arts Firm?"; Journal of Cultural Economics, Vol. 31, No. 2, 129- 42.

Boyer E (1999). Scholarship reconsidered: Priorities of the professoriate. Princeton: The Carnegie Foundation for the Advancement of Teaching, 27-28.

Canic, M. J. & P. M. McCarthy. (2000). Service Quality and Higher Education Do Mix; Quality Progress, September, 41-46.

Dlamini, B.M. (1995). The relationship between home and school related variable and performance in agricultural educational extension, 2(1): 59-64.

Farasatkah, Maghsoud (2008). " A Study on the outcomes of Internal Evaluation on the planning for Quality Improvement in Iran Universities. Quarterly"; journal of research and planning in Higher Education; Vol. 14, No.3, Autumn 2008, 145-175(in Persian) .

در مورد جذب دانشجویان در بازار کار منوط به توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آنها باید در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. نتایج تحقیقات قریشی راد (۲۰۰۸)، برزگر (۲۰۰۴)، الفت (۲۰۰۴) نشان داد که عدم تناسب بین فرایندها و مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌ها با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار کار، مهمترین عامل موفق نبودن فارغ التحصیلان در کارایی و اشتغال است. لذا این مشکل هر دو گروه دانشجویان را شامل می‌شود. به همین دلیل است که تفاوتی بین تعداد و تناسب شغل اکتسابی در دانشجویان دیده نشده است. از طرفی عوامل بیرونی مانند عدم تناسب بین ظرفیت فعلی پذیرش دانشجو در دانشگاه و نیازهای آتی بازار کار، عدم تناسب بین محتوای آموزش با مهارت‌های شغلی، عدم توفیق دانشگاه‌ها در ایجاد و تقویت روحیه علمی و انگیزه خدمت رسانی به جامعه در دانشجویان، مشخص نبودن حداقل قابلیت‌های علمی و عملی برای فارغ التحصیل شدن می‌تواند دلایل دیگر عدم اشتغال مناسب در هر دو گروه از دانشجویان را فراهم کرده باشد. بنابراین پیشنهادات زیر بر مبنای یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود.

پیشنهادات

- در شیوه ورود دانشجویان به مقطع تحصیلات تکمیلی علاوه بر معدل تحصیلی از معیارهای دیگری جهت شناسایی دانشجویان توانمند برای ورود به این مقطع استفاده شود.

- فرصت و حمایت‌های لازم برای پژوهشگران در پیرامون پژوهش در زمینه تدوین شیوه‌های ورود به تحصیلات تکمیلی فراهم شود تا با انجام مطالعات دقیق‌تر، شیوه‌های کارا تر ارائه شود.

- توصیه می‌شود تا مطالعات دقیق‌تری پیرامون پیامدهای اجتماعی فارغ التحصیلان دارای صلاحیت علمی پایین در هنگام ورود به بازار کار صورت گیرد.

- اظهار نظر درباره عدم تفاوت در اشتغال دو گروه مورد مطالعه بسیار زود است و احتیاج به سپری شدن زمان بیشتری دارد. همچنین به نظر می‌رسد که چون تفاوت معناداری در گروه‌های مورد مطالعه به علت کم بود فرصت

Research and Planning in Higher Education, Year 15, No. 1, pp. 121 – 154(Persian).

Mardiha, Mortaza. (2004), Pathology of University Entrance Examination, Journal of Research and Planning in Higher Education, Volume 15, Number 1, pp.91-130(Persian).

Masoodi, Esmat (2001), Design patterns having equal access to educational opportunities to scientific applications, Ph.D. Dissertation, Tehran Azad University, Science and Research Branch, volume 15(Persian).

McCollum, S.(2005). The collage chase. Literary Cavalcade, 57 (6), 20 .

Motamedi, Abdullah (2006), the effect of self-esteem, and symptoms of mental disorders on general health exam to the University of underdevelopment, Journal of Research and Planning in Higher Education, 40, pp. 55-72(Persian).

Neyestani, Ali. Kyzury, Amir(2005), the necessity of higher education evaluation, www.Evalautionedu.persianblog.com(persian).

Nili, M. R., A. R. Naser and N. Akbari (2005). Survey of Quality of Directing of the Esfahan Universities' Master Students; Institute for Research and learning in Higher Education, Vol. 2, 433-451 (in Persian).

Noor Shahi, Nasrin. (1999), institutions of public higher education in Iran, Journal of Research and Planning in Higher Education, vol. 6, No. 40, pp. 49-74(Persian).

Olfat, Lahla. (2004), Some factors affecting the employment of graduates in jobs related to Industrial Management, Industrial Management Studies Journal, No. 1, pp. 1 to 22(Persian).

Pitt Victoria, David Powis, Tracy Levett-Jones, Sharyn Hunter.(2012).Factors influencing nursing students' academic and clinical performance and attrition: An integrative literature review Nurse Education Today, In Press, Corrected Proof.

Popov Vitaliy, Dine Brinkman, Harm J.A. Biemans, Martin Mulder, Andrei Kuznetsov, Omid

Farasatkah, Maghsoud and mohmood Gazi(2009) Quality challenge IN Iran's Higher Education. Structural obstacles and socio-cultural and political Contexts ;A Congnitive Map for Change Agents in Developing Countries. Paper presented in International Association of Technology, Education and Development, Valencia (spin).

.Foster Gigi.(2012). The impact of international students on measured learning and standards in Australian higher Economics of Education Review, Volume 31, Issue 5, 587-600.

Ghasemizadeh, Alireza. (2008), framework to evaluate the quality of engineering education in the field of Islamic Azad University, Region One, Curriculum Journal, No. 49, pp.60-72(Persian).

Haghighi, Aliyeh, Samavatian, Hossein (2010), the relationship between personality type using the Performance Appraisal 360 degree appraisal, Eighth International Conference(Persian).

Johnson, D.M.(1993). A three years study of student achievement and factors related to achievement in a state FFA agricultural mechanics contest, Journal of Agricultural Education. 34(4): 39-46.

Jones ,John, Whyveberly, William (2000), 360 degree feedback strategies, approaches and methods for m anagers, translated by Ismail Asgharpoor and Gholam Reza Taleghani , SAPCO Publications, Tehran, first edition(Persian).

Keshti Ary, Nargus, Yousefi, Ali., Shahbazi, Sharam (2009), university graduate students' skills in how to search, access and store information on electronic resources, Journal of Curriculum, No., 43, pp.42-60(Persian).

Maccarty. Mandtomaas.(2001). feedback process : 'performance 360, caravan velopment", journal of European industrial improvement and employee career training, 5-32.

Madhooshi, Mherdad., Zali, Mohammad Reza; Najimi, Nasim (2009), forming the House of Quality in Higher Education System: A Case Study PhD Management, Public University Journal of

Psychological Studies, Volume 1, Number 2 and 3 ,pp.50-69(Persian).

Yusefi, Mashhoof,Saedi, JAM (2000), Evaluation of medical students academic achievement in the academic year 1988-1994 at Hamedan Medical University of Sciences, Journal of Hamedan University of Medical Sciences and Health Services, No. 7, pp. 25-29 (Persian).

Noroozi. (2012). Multicultural student group work in higher education: An explorative case study on challenges as perceived by students International Journal of Intercultural Relations, Volume 36, Issue 2, 302-317.

Quraish Rod, Fakhr al-Sadat (2008), Evaluation of hope for the future employment of students in the Humanities, University Research Journal, No. 1, pp. 47-66(Persian).

Sahraian, Mohamedhassan,Negaresh, Amadzadeh,Ali, Sanei, Mahmoud (2010), succession planning and talent management of human resources at electric distribution of Shiraz, Eighth International Management Conference(Persian).

Shah Rezaee, Rasol, (2011), Evaluation of the state of higher education in order to provide a conceptual framework, Journal of Research and Planning in Higher Education, No. 56,pp. 41-60[Persian].

Sharepoor, Mahmoud (2002), the association of university education with social needs, research reports, Tehran: Institute for Research and Planning in Higher Education(Persian).

Sobhani, Abdul rasoul, Shahid, Merdad. (2007), histopathological examination and possible removal of the admissions system, Journal of Curriculum, No.161,pp.181-201(Persian).

Stell A.and Woodhouse.(2006).Ranking of Higher Education Institutions; Canberra, Austria Universities Quality Agency, Occasional publications Number 6.

Sue Bennett, Andrea Bishop, Barney Dalgarno, Jenny Waycott.(2012). Implementing Web 2.0 technologies in higher education: A collective case study, Computers & Education, Volume 59, Issue 2, 524-534.

Yar Mohammadian, Ahmad, Sohrabi, Nadereh,Arizi,Hamid Reza(2006),study and comparison of the effects of the entrance exam on mental status and personality of students succeeded and failed and their families, The Journal of